

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۱ اگست ۲۰۲۲

زمینه سازی ها برای آوردن مجدد طالب! (۲)

شنبه - ۲۹/۱۴۰۱ - کابل: زر در کف و زور در بازو!

یکی از ضرب المثل های بسیار گویا و واضح که ساحة تأثیرش را از ضرب المثل فرا تر گذاشته، در تعدادی از رژیم های خودکامه، زورگو و سلطه گر به مثابه مثنی سیاسی- اقتصادی آنها عمل می شود، ضرب المثل "غریب را نه بزن نه بکش، نانش را از دستش بگیر" می باشد.

در این قسمت یادداشت می بینیم که سیاست اقتصادی اشغالگران و حاکمیت پوشالی وابسته به آن در طی ۲۰ سال اخیر در کل با حرکت طالب و طالبیسم چگونه بوده، آیا برای تجرید و زدن آنها نان شان را از دست شان گرفته است و یا عکس آن با گذاشتن میلیون دالر در اختیار شان زور بازو و میزان تفنگ و اعتبار داخلی و بین المللی آنها را بیشتر نموده است.

۱- نخستین نکته ای که در این زمینه خود را نشان می دهد، سیاست مماشات گرانه و حتا حمایت گرانه امپریالیسم امریکا در قبال طالب، نادیده گرفتن فعالیت های آنها در قبال معاملات مواد مخدر، از کشت آن گرفته تا تجارت و رساندن آن به مارکیت بود.

با در نظر داشت این که امپریالیسم امریکا تجارب غنی از آنداختن قاچاقبران مواد مخدر به گردن مخالفان مسلح ضد دولتی در اقصا نقاط جهان به خصوص کلمبیا داشتند و این را می دانستند که هرگاه با گوشه چشم به مافیای مواد مخدر بفهماند که می تواند به شرط نابودی مخالفان مسلح حاکمیت، به کسب و کارشان ادامه دهند، بدون آن که خود به قلع و قمع مخالفان مسلح شان پردازند، مافیای مواد مخدر به نیابت از آنها به چنین کاری دست خواهد زد و این همان تجربه ای بود که در کلمبیا به کشته شدن صد ها و هزاران کمونیست به دست مافیای مواد مخدر ختم شد و گذشته از آن تجربه خونین "جبهه نیمروز" در زمان اوج و شگوفائی آن، که عین سیاست توسط اشغالگران شوروی متوفا در قبال آن جبهه عملی شده، بزرگان و بنیانگذاران جبهه مانند "حسین موشگاف، ستار گرگیج و از همه مهمتر "گل محمد گلجائی" و تعداد دیگر یکی پشت دیگری در داخل و خارج از افغانستان به وسیله مافیای مواد مخدر به قتل رسیدند و یا روده شده، نابود گردیدند، نکته ای بود که اگر اشغالگران امریکائی و شرکاء و حاکمیت پوشالی واقعاً می خواستند ریشه طالب را

که تا مغز استخوان در معاملات مواد مخدر دخیل بود، از بین ببرند، کافی بود تا مافیای مواد مخدر را به جان آنها بیندازند.

همه شاهدیم که امپریالیسم امریکا به جای اتخاذ چنان سیاستی، نقطه مقابل آن را از طریق جذب و انحلال طالب در مافیای مواد مخدر عملی نموده، با گذشت هر روز به تعداد میلیونرهای طالب افزودند. یعنی با دادن زر در کف شان، زور بازوی آنها و اعتبار اجتماعی شان را بالا بردند.

۲- دومین طریقه حمایت مالی - اقتصادی از طالب از یک سو سپردن قرارداد های اکمالاتی نان و آب دار با افراد نزدیک به طالب بود و از جانب دیگر، زیر عنوان بیمه و صیانت از فعالیت ها، میلیونها دالر باج دادن به شرکت های مسلحی بود که عملاً یا به وسیله افراد طالب اداره می شدند و یا هم حد اقل نصف درآمد شان را به طالب باج می دادند.

۳- این دیگر کاملاً روشن شده است که بعد از دادن ۵۰ میلیون دالر توسط جاپان، زیر عنوان تمویل "شورای عالی صلح" و گماردن انسان ضعیف النفس و فاسدی مانند "برهان الدین ربانی" در رأس آن، سیل پول از هر طریق به آن شورا سرازیر شد. پولی که نه کسی مقدار مصرف آن را می دانست و نه هم به بهانه مخفی کاری و حمایت از روابط، چگونگی مصرف آن را می توانست بداند.

وقتی "برهان الدین ربانی" متوجه شد که این همه پول مستقیماً به جیب طالب و تقویت آنها می رود و به گفته برخی ها می خواست در این رابطه اعتراض نماید، امپریالیسم امریکا به همکاری یک تن از مهره های استخباراتی خودش یعنی "معصوم ستانکزی" امکان کشتن وی را مساعد ساخته، ضمن یک عملیات انتحاری وی را به قتل رسانید. در واقع طالب و امپریالیسم امریکا با کشتن "ربانی" هر دو به صورت غیر مستقیم اعلام داشتند که هیچ کسی و هیچ مقامی حق ندارد که بپرسد چه میزان پول و از کجا به افغانستان سرازیر می شود و چگونه به مصرف می رسد.

۴- ضمن آن که امپریالیسم امریکا و شرکاء چشم شان را بر روی جمع کردن ده ها و صد ها میلیون دالر اعانه، خیرات و صدقات تعدادی از مسلمانان و شاید هم نهاد های استخباراتی و انتقال تمام آنها به حساب های مشخصی در "حبیب بانک" پاکستان و به موازات آن کمکهای مالی و تخنیکی دولت پاکستان به طالب می بستند؛ به طالب امکان گرفتن راهداری، عشر و زکات از باشندگان کشور و به مرور سپردن تعدادی از گمرکات به آنها، طالب فراری و چلی هائی را که از طریق صدقات و "نان ملا" زندگانی می نمودند تا جایی رسانیدند که مولتی میلیونر هائی مانند رهبر مقتول شان "منصور" و بقیه میلیونر های طالب، از لحاظ طبقاتی نه تنها خود را آماده تصرف قدرت بسازند، بلکه دوام و بقای شان را در همکاری و دمسازی با اشغالگران دانسته، در عین حالی که خون فرزندان این کشور را بی پروا می ریختند، حافظ جان و مال اشغالگران بگردند.

این که حاکمیت پوشالی در جریان ۲۰ سال گذشته، چه تعداد از معادن را به طالب سپرده و به آنها امکان استفاده از معادن کشور را داده، داستان دیگر است که پرده از کمکهای مسقیم حاکمیت پوشالی و امپریالیسم امریکا به بر می دارد. هموطنان گرامی!

برای اثبات این ادعا کافیهست که یک نظری به قطر شکم و بشره های شفاف روی جلد و ساعت ها قیمت بهای رهبران طالب بیدازدید تا متیقین شوید، که طالب را از لحاظ مالی و اقتصادی در تمام این بیست سالی که مردم ما از فقر و فاقه، به فروش اطفال شان می پرداختند چگونه چاق و چله ساخته، حاکمیت را به آنها تحویل داده است. / ادامه دارد

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!